

## حوادث۱۹

### تلنگر

### قتل اوباش برسرکری خوانی اینستاگرامی

کری خوانی اینستاگرامی دونفر از افراد اوباش تهران به خیابان کشیده و باعث قتل یکی از آنهاشد. به گزارش خبرنگار جام جم، بامداد جمعه ۲۶ شهریور امسال یکی از ماموران کلانتری مهرآباد به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع داد درگیری میان دو جوان با قتل پایان گرفته است. در تحقیقات مقدماتی مشخص شد، مرد ۲۷ ساله با قاتل ۳۰ ساله درگیر شده و باضربه قمه به قتل رسیده است. یکی از شاهدان جنایت گفت: مقتول و قاتل از ارادل و اوباش هستند. از میان حرف هایشان متوجه شدم که برسر مسائل مختلف و کری خوانی در اینستاگرام درگیر شده اند. به همدیگر حمله ور شده و به جان یکدیگر افتادند. حتی چند نفر از اهالی خواستند ماینجگری کنند و دعوا را پایان دهند تا آرامش به محله بازگردد که مرد قمه به دست آنها را تهدید کرد و گفت که اگر کسی وارد ماجرا شود خوش پای خودش است. او با قمه ضربه هایی به جوان مقابل زد و بعد فرار کرد. حتی معلوم شد آنها شب قبل هم در قهوه خانه با هم درگیر شده اند. محمد حسین زارعی، بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: یک مظنون در این پرونده دستگیر شده که مدعی بود، قاتل فرد دیگری بوده و شباهت ظاهری اش به قاتل باعث شده اشتباهی دستگیر شود.

### سرقت ۷۰۰ میلیونی از حساب مشتریان

دو مرد که به بهانه شست و شوی خودروها در کارواش ۷۰۰ میلیون تومان از حساب بانکی مشتریان سرقت کرده بودند، بازداشت شدند. به گزارش جام جم آنلاین، سرهنگ داوود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران در این باره گفت: تعدادی از شهروندان با مراجعه پلیس فتا تهران مدعی شدند مبالغی به صورت غیرمجاز از حساب آنها سرقت شده است. در جریان تحقیقات معلوم شد، متهمان تحت پوشش کارگران یک کارواش بزرگ درحاشیه تهران مشغول کار شده و پس از کپی کارت های بانکی مالباختگان به وسیله دستگاه اسکیمر به برداشت غیرمجاز ازحساب بانکی آنها اقدام کرده اند. متهمان که دو نفر بودند سرانجام بازداشت شدند. متهمان پس از انتقال به پلیس فتا به بیش از ۱۹ فقره کلاهبرداری با همین روش به ۷۰۰ میلیون تومان اعتراض کردند و پرده از نحوه اقدامات مجرمانه خود برداشتند.

### مرگ ۲ کودک در استخر باغ

یک دختر چهار و پسر سه ساله با افتادن در استخر یک باغ در قهدریجان شهرستان فلاورجان فوت شدند. به گزارش ایرنا، بعداز ظهر جمعه بیست و ششم شهریور امسال، وقوع این غرق شدگی به اورژانس استان اصفهان گزارش شد. نیروهای امدادی به باغی در قهدریجان شهرستان فلاورجان اعزام شدندکه معلوم شد دو کودک در داخل استخر افتاده و غرق شدند. آنها را بیرون آوردندو به احیای آن دو پرداختندکه بی نتیجه بود و کودکان فوت شدند.

### مرگ ۲ نفر در چاه

دو نفر هنگام لایه روبی چاه بودندکه دچار گازگرفتگی شده و فوت کردند. به گزارش جامعه ۲۴، فردی در تماس با پلیس ۱۱۰ شهرستان فراشبند در استان فارس از حادثه گاز گرفتگی منجر به فوت در روستای قنات باغ این شهرستان خبر داد. ماموران در محل حاضر شده و مشاهده کردندکه دومرد ۳۸ و ۴۱ ساله هنگام لای روبی چاه قدیمی دچار گازگرفتگی شده و جان باخته اند.

### کشف جغد طلایی در خانه

جغد طلایی که باعث ترس ساکنان خانه ای در محله دریاچه چیتگر تهران شده بوداز سوی آتش نشانان از آنجا خارج شد. به گزارش سایت آتش نشانی تهران عصر جمعه بیست و ششم شهریورامسال، ساکنان خانه ای در، خیابان سروپنجم در دریاچه چیتگربه آتش نشانی اطلاع دادندکه یک جغد طلایی درقسمت تراس یکی از واحد های ساختمان نشسته و باعث وحشت ساکنان آنجا شده است. همزمان با حضور آتش نشان ها در محل، این جغد زنده گیری وتحویل محیط زیست شد.



همسرش هر دو پزشک هستند. این خانواده اخیرا به تیمارو، شهری ۲۹ هزار نفری در جزیره جنوبی نیوزیلند، نقل مکان کرده بودند. تحقیقات پلیس و مرجع قضایی برای روشن شدن ابعاد این پرونده که در آن سه کودک به قتل رسیده اند از در حالی ادامه دارد که پلیس در حال تحقیق از پدر بچه ها نیز هست.

سوی قاضی صادر و متهم به منظور ارزیابی سلامت روان به بیمارستان معرفی شد. به گزارش پلیس محلی، این زن ۴۰ ساله با نام دیگاسون متهم به قتل دو قلوهای ۲ ساله و یک دختر ۶ ساله دیگرش است. همچنین اجساد این کودکان نیز پنجشنبه هفته گذشته در منزل محل اقامت این خانواده پیدا شده است. متهم و

### مادر نیوزیلندی متهم به قتل ۳ دخترش شد

زن ۴۰ ساله ای در نیوزیلند به اتهام قتل سه دختر خرد سال خود در یکی از دادگاه های این کشور فراخوانده شد. به گزارش ایسنا، این زن متهم به قتل سه دختر خردسالش فقط چند هفته پس از آمدن این خانواده از آفریقای جنوبی به نیوزیلند در یکی از دادگاه های این کشور حاضر شد. حکم بازداشت این زن از

### آخرین جلسه رسیدگی به اتهام حمید- ص برگزار شد

# دفاع آقای خواننده در برابر اتهام قتل عمد

حمید- ص، خواننده رپ که به اتهام قتل شوهر مادرش دستگیر شده از امروز هفت روز و شب سخت را در زندان اوین خواهد گذراند؛ هفت روزی که چشم به راه حکم دادگاه کیفری است. او دیروز برای آخرین بار در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران به دفاع از خود پرداخت و اتهام قتل عمدی را رد کرد. خواننده جوان در این جلسه به ارتباط پدر و پسری با مقتول اشاره کرد و گفت: «هنوز هم در شوک هستم که به اتهام قتل باید از خودم دفاع کنم.» دو فرزند مقتول که در خارج از کشور هستند، از طریق وکلای خود در ایران دوباره درخواست قصاص را مطرح کرده اند. در ادامه جزئیات ۱۲۰ دقیقه محاکمه حمید - ص به ریاست قاضی مهدی رحمانی در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران را می خوانید.



محمد غمغور

حوادث

رحیمی، نماینده دادستان تهران در ابتدای جلسه دادگاه در دفاع از کیفرخواست گفت: با توجه به این که متهم نسبت به وضعیت جسمانی متوفی آگاهی لازم را داشته و براساس اظهارات خودش برای حل اختلاف میان مادرش و متوفی به محل درگیری رفته بود و در این محل میان آنها درگیری لفظی آغاز می شود، حمیدرضا با آگاهی به وضعیت جسمانی هوشنگ به این تنش و درگیری ادامه داده تا جایی که اقدام به برخورد فیزیکی با متوفی کرده و در نهایت متوفی به علت ضربات وارده و بیماری زمینه ای که داشته و همچنین اضطراب و استرس ناشی از تنش و درگیری فوت کرد که این مطلب در کمیسیون های پزشکی قانونی هم تأیید شده است.

### موکلانم درخواست قصاص دارند

پس از صحبت های نماینده دادستان، رئیس دادگاه از وکلای اولیای دم خواست خواسته اولیای دم را مطرح کنند که یکی از وکلا گفت: موکلانم در خارج از کشور هستند و از طرف آنها درخواست قصاص دارم. براساس گزارش تکمیلی کمیسیون ۱۱ نفره پزشکی قانونی، علت مرگ مقتول خونریزی و علت خونریزی هم ضربات است. همچنین اعلام شده مصرف داروی ضد انعقاد خون باعث خونریزی مجدد بوده و عمل جراحی هم آثار را از بین برده است.

دیگر وکیل اولیای دم هم در ادامه گفت: حمید ده دوازده سال در خانه مقتول زندگی می کرد و از وضعیت جسمانی هوشنگ مطلع بود. انگیزه او در این درگیری به علت کتک خوردن مادرش بوده است. او در تحقیقات گفته که به متوفی کف گرگی زده است. او پس از این که حقیقت ماجرا را کشف شده دانست، اعلام کرد شاید سرش به دیوار، کمدا یا مبل خورده است. متهم

در ورزش بوکس مهارت دارد و می داند این ضربه ها با چه قدرتی خطرناک است. متهم پس از مرگ هوشنگ در خانه او سکونت داشت که با شکایت یکی از موکلان به نام سهیل مجبور به تخلیه محل شد. این نشان می دهد این ادعا که اعلام کرد مستقل بوده و از بیماری مقتول اطلاع نداشته برخلاف حقیقت است.

پس از شکایت وکلای اولیای دم، قاضی رحمانی از حمیدرضا خواست در جایگاه حاضر شود و از خود دفاع کند. متهم با توجه به تفهیم اتهام مباشرت در قتل عمدی و صحبت های وکلای مدافع اولیای دم، دفاعیات خود را به ۱۰ بخش تقسیم کرد و منکر ادعاهای وکلای اولیای دم و اتهامش شد.

حمید در دفاعیاتش گفت: اتهام قتل عمد را قبول ندارم. مادر و حاج آقا، هوشنگ- ۱۰ سال با هم زندگی کردند که فقط سه سال من با آنها بودم. دو سال آخر زندگی آنها، مستقل بودم. در سال هایی که با آنها زندگی می کردم نیز حاج آقا اغلب هشت ماه یا یک سال در آلمان بود و کمتر او را می دیدم.

عمده اطلاعات من درباره بیماری حاج آقا مربوط به بعد از درگیری است. در زمانی که در بیمارستان بستری بودند، بعد از فوت شان و در جلسات کمیسیون پزشکی متوجه بیماری او شدم. حاج آقا اغلب در خانه، قندش را چک می کرد اما هیچ وقت پرهیز غذایی نداشت که نشان دهد بیماری جدی دارد. حتی دو روز قبل از درگیری، برای من تولد گرفت و از کیک که برای من خریده بود هم خورد.

وکلای اولیای دم می گویند هوشنگ پیر و مریض بود، در حالی که او سرزنده و سلامت بود. اگر بیمار بود ما باید او را دکتر می بردیم و مطلع می شدیم. او حال بد

ظاهری نداشت. ما با هم باشگاه و استخر می رفتیم. او بدنسازی کار می کرد.

درباره این که می گویند من از بیماری قلبی متوفی اطلاع داشتم باید بگویم یک بار حاج آقا که آلمان رفته بود با مادر تلفنی صحبت می کرد که گوشی را گرفتم و حالش را پرسیدم که درباره قلبش گفت: خدا را شکر رو به خیر است. او مغرور بود و دوست نداشت از بیماری حرف بزند. تمام اطلاعات من از بیماری قلبی حاج آقا همین یک بار احوالپرسی بود. حاج آقا هیچ وقت درباره بیماری اش با من حرفی نزد.

این که می گویند ضربات کشنده بوده را نمی دانم یعنی چه؟ من وقتی دستگیر شدم در اداره آگاهی گفتم ضربه ای نزدم. افسری روی شانه ام زد و گفت اگر تو

نزدی، مادر ت زده است. این موضوع روی من تأثیر گذاشت. من سعی می کردم در درگیری دستم را حائل کنم تا حاج آقا ستمم نیاید. او تقلا داشت به من برسد، نه من به او.

درباره این که گفته شده من با قصد دعوا و درگیری به آنجا رفتم نیز در دفاع از خودم باید بگویم، اگر قصد دعوا داشتم برادرم که شب قبل زنگ زد و گفت

هوشنگ به مادرمان سیلی زده، سریع راهی آنجا می شدم. فردا برای اشتی دادن آنها به آنجا رفتم. قصد این بود به اختلاف پایان بدهم. حتی زمانی رفتم که می دانستم مادرم مریی دارد.

چرا می گویند من انگیزه ای برای قتل داشتم؟ اگر انگیزه داشتم جور دیگری می رفتم. وسیله ای با خودم می بردم.

سوال را هزار مدل می پرسند. من گفتم ضربه نزدم اما گفتند بیمارستان اعلام کرده ضربه به سر باعث مرگ شده که من گفتم شاید به

میل یا زمین اصابت کرده است.

نمی دانم چرا اصرار دارند بگویند من

بوکسور هستم و در دستم انگشتر داشتم. وقتی من را به اداره آگاهی بردند، هیچ ردی از داشتن انگشتر در دستم نبود که نشان می داد از انگشتر استفاده نمی کنم. آموزش بوکس هم مربوط به بعد از آزادی از زندان است. اضافه وزن داشتم و برای آن ورزش می کردم. همه مدارک آن هم موجود است.

من و حاج آقا رابطه دوستانه و خوبی با هم داشتیم. عکسی را به دادگاه

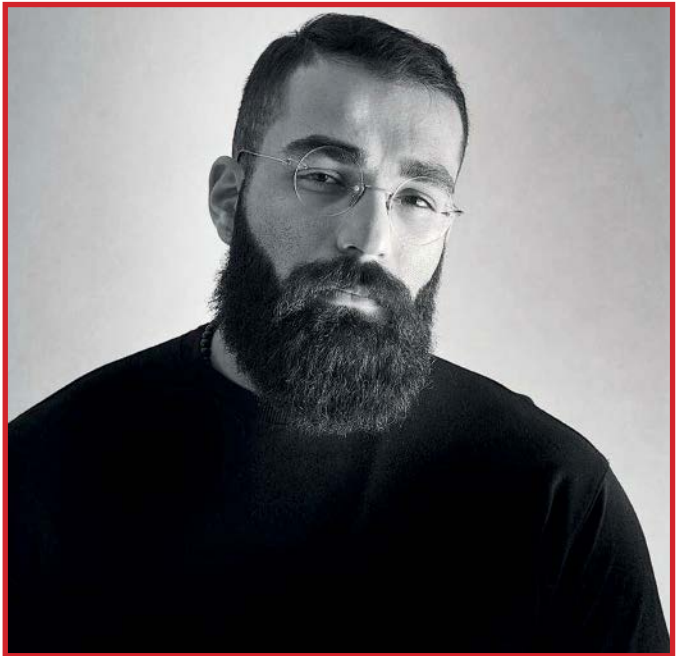
ارائه کردم که او عکس بزرگ مرا به دیوار خانه زده بود. اگر با من مشکل داشت، هیچ وقت این کار را نمی کرد. او همیشه می گفت حمید پسر من است و من هم مثل پدر او را دوست داشتم.

پس از دفاعیات متهم، رئیس دادگاه از او پرسید: در تحقیقات مقدماتی نزد بازپرس اعلام کردید سه ضربه زدید. درباره آن چه می گوید؟

من گفتم حاج آقا را نکه داشتم که پرسیدند چند بار دستت به صورت او رسید که گفتم شاید دو یا سه بار. در اداره آگاهی می گفتند هر تماس، ضربه است. وقتی به خانه رسیدم او حرفی زد که توقع شنیدن آن را نداشتم. حاج آقا گفت، زدم که زدم، لازم باشه بازم مادر ت را می زنم.

رئیس دادگاه: در سه سالی که در خانه متوفی بودی، ندیدی دارو مصرف کنذ؟ حمید: من با حاج آقا همه جا می رفتم و ندیدم قرص مصرف کند یا بگوید وقت فلان داروست. مثل همه بزرگ ترها دارو داشتم و لب اوپن می گذاشت. مثل مادرم که دارو داشت.

رئیس دادگاه: پرسیدی این دارو برای چیست؟ حمید: نه هیچ وقت.



رئیس دادگاه: قصد درگیری نداشتید چرا گلند پرت کردید؟

حمید: به جهت مخالف پرت کردم تا آسیبی

به حاج آقا نرسد.

رئیس دادگاه: او به سمت شما حمله کرد؟

حمید: بله. مادرم حائل ما بود و بعد قسم داد تمام کنیم که به او گفتم لباس پوش

برویم. این خانه جای ماندن نیست.

### گزارش ایهام را

ایوب میلیکی، یکی از وکلای حمید در ادامه جلسه به دفاع از او پرداخت و گفت: از کمیسیون پزشکی قانونی انتظار می رفت ایهام زدایی کند. اما پاسخ مختصر و شتابزده کمیسیون، شبهه ای بر شبهات پرونده افزود. در شش سطر، هشت بار از کلماتی مانند می تواند، ممکن است، احتمال دارد و اغلب موارد استفاده شده است. در این پرونده درباره قصور پزشکی و احتمال وجود آن، موضوعی مطرح و بررسی نشده است. این موضوع احتمال است و قابل بررسی بود.

### مطیع هر حکمی هستم

پس از صحبت های وکلای پرونده، حمید برای آخرین دفاع ایستاد و گفت: دیشب در خلوت خود در زندان، دفاع آخر را نوشتم که تقدیم دادگاه می کنم. در سال های زندگی ام نه دعوایی بودم، نه به کسی پرخاش کردم. الان که اینجا در مظان اتهام قتل ایستاده ام باورم نمی شود و با گذشت این سال ها هنوز در شوک هستم. من خودم داغدار فوت مردی هستم که مثل پدرم بود و مثل پدرم دوستش داشتم. هر حکمی بدهید من مطیع هستم.

پس از آخرین دفاعیات متهم، رئیس دادگاه ختم رسیدگی به این پرونده را اعلام کرد تا حکم دادگاه صادر شود.

### زندگی زن جوان با جسد شوهر

زن جوان بعد از مرگ همسرش، جسد او را در میان سیمان قرار داد و چند روزی با آن زندگی کرد. او وقتی از این وضعیت خسته شد، با خوردن مایع لوله باکزی قصد خودکشی داشت که ناکام ماند.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۱۸ جمعه بیست وششم شهریور امسال، صدای فریاد و کمک خواهی زنی سکوت محله ای در مولوی تهران را شکست. همسایه ها سراسیمه به خیابان آمده و زن جوان همسایه را دیدند که فریاد می زند شوهرم فوت شده و خودم هم مایع لوله باژکن نوشیدم و می خواهم بمیرم. اهالی در ادامه به پلیس و اورژانس اطلاع دادند که آنها در محل حاضر شده و این زن به بیمارستان منتقل شد. ماموران وارد خانه طبقه اول ساختمان قدیمی شدند. بوی نامطبوعی از آنجا به مشام می رسید. رد بو را که گرفتند به اتاقی رسیدند در خانه، پتویی کف اتاق افتاده و جسدی مردی را دیدند که در میان مکعبی بتونی قرار داشت و انگشتان پاهایش بیرون زده بود. با تخریب مکعب، جسد مرد ۳۸ ساله را بیرون آوردند.

ماموران دیروز پی بردند زن جوان زنده مانده که از وی تحقیق کردند او گفت، چند هفته قبل وقتی بعد از خرید به خانه بازگشتم دیدم شوهرم فوت کرده است. ترسیدم و خواستم به پلیس خبر دهم که گفتم نکند مرگ او برگردن من بیفتد. چند روزی با جسد او در آن خانه بودم و فقط گریه می کردم. کم کم جسد داشت بو می گرفت و هر لحظه احتمال می رفتم همسایه ها متوجه مرگ او شوند.

مقداری سیمان خریدم و روی جسد شوهرم ریختم. از ترسم چند هفته از خانه بیرون نرفتم. سرانجام روز جمعه مایع لوله باژکن را نوشیدم تا به زندگی خودم هم پایان دهم که نشد.

رحیم دشتیان، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: تحقیقات تکمیلی درباره کشف علت مرگ مرد جوان از سوی پلیس ادامه دارد.